**مطلب هشتاد و هفتم \_ غفلت عباد**

قوله تعالی : " هو المبین العلیم ... این ایام خوف اهل دیار امل را بشأنی اخذ نموده که در لیل ظلمانی هم از حق نمیپرسند و سخن از او نمیگویند تا چه رسد بیوم و آن هم امام وجوه قوم لذا الصمت اولی الی ان یفتح الله باب البیان علی من فی الامکان اگر از محلی عرف اقبال و محبت استشمام نمودید کلمه مبارکه را ودیعه گذارید و الا حق محتاج این نفوس نبوده و نیست لا یضره کفرهم کما لا ینفعه ایمانهم اهل عالم بایادی خود آیات ظنون و اوهام اصنام تراشیده‌اند و علما نام نهاده‌اند و این مظاهر ضغینه و بغضا و مطالع بغی و فحشا در قرون و اعصار بر مشارق و معادن علم وارد آوردند آنچه را که اهل مدائن اسمأ و ملأ اعلی از عرش عزت بر فرش ذلت مکان اخذ نمودند براستی میگویم خلق قابل این ایام نبوده و نیستند مگر قلیل یا حیدر یا ایها الناظر الی المنظر الاکبر وجوه متغیر و قلوب محجوب و ابصار مرمود و آذان مسدود ای اهل بها روز روز شماست رقیب هر چه کمتر بهتر رغما للذین کفروا و اعرضوا بنوشید چه را ؟ \_ آن رحیق بیان را که بظلم محبوب امکان ممزوجست امروز بحر جود وکرم حیات ابدی از برای امم خواسته و لکن نپذیرفتند بلکه بر اطفای نور الٓهی قیام نموده‌اند مقام شکر شکایت آغاز کرده‌اند و مکان رضا جفا لعمر البهاء انهم من الاخسرین فی کتاب مبین . "